



آینده سیاسی غزه بدون حماس نشدنی است

دولت رژیم‌صهیونیستی که از ابتدای طوفان الاقصی با اهداف گوناگون تلاش کرد اشغالگری و جنایت را در حق مردم فلسطین به انتهای درجه برساند، اکنون در ورطه عدم دستیابی به اهداف اعلامی، نه تنها دچار تنش و بحران‌های داخلی شده که به اذعان بسیاری از مقامات و تحلیلگران عبری، آینده رژیم‌صهیونیستی نیز در سایه لجاجت‌های نتانیاهو برای تداوم جنگ و نسل‌کشی به فروپاشی نزدیک شده است.

عدم برآورد چشم‌انداز روشنی از جنگ و ناگامی صهیونیست‌ها از این اهداف چون حذف حماس و آزادسازی اسرای اسرائیلی در پی استراتژی کشتار مردم غزه، اکنون رژیم‌صهیونیستی را در سرگردانی مفرطی فرو برده است که حتی شریک «آهینیش»، ایالات‌متحده هم نقشه راهی برای برون‌رفت از بحران‌های رو به تزاید ندارد و تنها به طرح آتش بس و طرح موذیانه و مبهم کشور فلسطین چنگ انداخته است که هدفی جز تأمین منافع اسرائیل از راه آزادسازی اسرا ندارد.

در همین رابطه است که حماس هم با آگاهی و درک فرامتن آتش بس، تنها به آتش بس پایدار و عقب‌نشینی ارتش صهیونیستی از نوار غزه تأکید دارد. از یک سو، حفظ قدرت حماس با وجود حملات خونبار و گسترده در سرزمینی محدود که آتش را از زمین و آسمان و دریا به سوی مردم روانه ساخته و بخش زیادی از نوار غزه را به تصاحب ارتش درآورده، کابوس این روزهای مقامات صهیونیستی و امریکا شده، چراکه نه تنها حملات از سوی گروه‌های مقاومت فلسطین از ابتدای طوفان الاقصی تداوم خود را حفظ کرده است که مبارزین قسام همچنان به ساخت سلاح در این شرایط ادامه می‌دهند. از سوی دیگر به اعتراف بسیاری از مقامات رژیم‌صهیونیستی، حماس نه فقط یک فک گروه شبه‌نظامی که یک باور عمیق نزد مردم فلسطین است و از این رو نابودی آن ممکن نیست و در نهایت حمایت‌های مردمی را با وجود فشارهای فرآینده حمله به مردم، با خود همراه خواهد داشت.



متغیرهای موجود نشان می دهد که تلاش های مفرط بایدن به همراه صهیونیست‌ها برای ترسیم و جاناندازی فردای غزه بدون حماس نزد افکار عمومی فلسطینیان و همچنین در ابعاد بزرگتر نزد سیاستمداران جهانی به بن بست رسیده است

جبهه مقاومت بازتعریف شده است؛ لذا پشتوانه سیاسی جنبش حماس که با رازیتهای منطقیه‌ای و فرمانطقه‌ای تثبیت شده، می تواند مؤلفه‌ای مهم در تعیین جایگاه آن در آینده سیاسی غزه محسوب شود و کنش‌های سیاسی غرب را برای به انزوا و حذف سیاسی آن مهار کند. در مجموع، دومینوی ناگامی در عوض حفظ قدرت حماس و افزایش قوای آن با حامیان منطقه‌ای، اعتبار سیاسی حماس را در معادلات فلسطین حفظ کرده و احتمالات پیش فرض غرب را برای دور نگه داشتن آنها از تصمیم‌گیری برای آینده غزه و همچنین عدم حضور در آینده سیاسی این منطقه باطل کرده است.

روزمره شدن جلوه‌های متمایز منازعات سیاسی

مهره‌ها با شکاف‌ها و جدال‌های سیاسی بین مقامات سیاسی از ابتدای طوفان الاقصی، روز گذشته اقدام رژیم اسرائیل در آزادی تعدادی از اسرا را جمله رئیس بیمارستان جنجالی شهر غزه منجر به اختلاف و ناراحتی بین مقامات صهیونیست شد و برگی دیگر از درگیری‌ها را در فضای سیاسی اسرائیل افشا کرد؛ اقدامی کم‌سابقه از ابتدای جنگ علیه غزه که دکتر محمد بوسلیمه، رئیس بیمارستان شهر غزه به همراه ۵۰ نفر دیگر بعد از هفت ماه بازداشت، آزاد شدند. آزادی این اسیر که جزو پزشکان مهم در نوار غزه است، موجی از خشم و ناراحتی را بین صهیونیست‌ها به راه انداخت و اولین واکنش از آن وزیر افراطی کابینه رژیم اسرائیل بود. ایتمار بن گویر، وزیر امنیت رژیم اسرائیل خواستار برکناری رئیس شایاک (امنیت داخلی رژیم اسرائیل) به دلیل آزادی مدیر بیمارستان الشفا غزه شد. منابع نزدیک به نخست‌وزیر رژیم اسرائیل فاش کردند که نتانیاهو در قصبه آزادی رئیس بیمارستان الشفای شهر غزه ناراحت است، برای اینکه او از طریق رسانه‌ها از این ماجرا با خبر شده و از مسئولان خواسته است در این باره در اسرع وقت پاسخ دهند. در این میان وزیر مهاجرت اسرائیل نیز خواستار توضیحات گالانت در مورد آزادی رئیس بیمارستان الشفا شد و وزیر ارتباطات نسبت به تصمیم برای آزادی مدیر بیمارستان الشفا اعتراض کرد و خواهان برکناری رهبران امنیتی شد. لیبرمن، وزیر جنگ پیشین رژیم‌صهیونیستی نیز مخالفت خود را با آزادی رئیس بیمارستان الشفا ابراز کرد و آن را یک شکست امنیتی و اخلاقی دانست. در این میان بحران‌های چندوجهی در سرزمین‌های اشغالی و هزینه‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی سبب فرونشست مدیریت اسرائیل در عرصه داخلی و خارجی شده و تنها حمایت‌های تزلزل‌ناپذیر امریکا به ثبات آن کمک کرده است. به اعتراف بسیاری از مقامات اسرائیل همچون یائیر لاپید، رهبر اپوزیسیون اسرائیل، هم‌اکنون تل آویو در کنار جنگ، از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و ساسی رنج می‌برد و تدابیر کنونی دولت چیزی جز فاجعه برای اسرائیل به ارمغان نیاورده است.

در این میان فرسایش جنگ برای اسرائیل و هم‌وزم آن ایالات‌متحده در منطقه و اثر بی‌بودن تلاش‌های دوگانه کاخ سفید برای بازگرداندن توازن قدرت به نفع خود برابر مقاومت و دور شدن از گسترش تنش‌ها در منطقه، بر میزان شکست آنها برابر مقاومت افزوده است. این عوامل موجب نگرانی مقامات کاخ سفید از نفوذ در منطقه و در نهایت تنزل هژمونی جهانی شده و تصویری از ناگامی و ناتوانی از حمایت اسرائیل در جهان مخایره کرده است. در سوی مقابل اما گروه‌های مقاومت هر روز بیشتر از قبل قدرت درونی خود را به نمایش جهانی می‌گذارند و جبهه خود را قدرتمندتر از گذشته در صف رویارویی با اسرائیل قرار می‌دهند و به همین منظور بود که روز گذشته جامعه اطلاعاتی (رژیم‌صهیونیستی) که در کابوس نبرد با حزب‌الله لبنان به سمری برد، نسبت به ایجاد یک «جبهه جدید و بسیار نگران‌کننده در درباری مدیترانه (از سوی یمن) علیه این رژیم هشدار داد. به گفته رساله‌های عبری، فارغ از نبردهای کنونی مقاومت یمن، رزمندگان یمنی تهدید جدیدی برای اسرائیل تعریف کرده‌اند که بر اساس آن قصد دارند علیه رژیم اشغالگر وارد عمل شوند. آنها احتمالاً نیروهایی از یمن به شمال آفریقا منتقل خواهند کرد و احتمال دارد این نقل و انتقال‌ها باعث شود آنان بتوانند تنگه جبل الطارق (نقطه اتصال میان اروپا و آفریقا و میان مدیترانه و اقیانوس اطلس) را نیز تهدید کنند. آنچه مسلم است، تحلیل قدرت درونی اسرائیل در پی نبرد گروه‌های مقاومت و منازعات سیاسی که نمادی از آشفتگی سیاسی در اردوگاه اسرائیل است به انضمام بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، مهاجرت و آوارگی و همچنین بحران‌های سنتی آن همچون جمعیت، هویت، بحران‌های حقوقی که در سیر گذر زمان نه تنها التیام نیافته بلکه افزایش نیز یافته، منجر به فروپاشی دولت نتانیاهو خواهد شد و بقای اسرائیل را به لبه پرتگاه خواهد برد. بنابراین در این ورطه، نه امریکا و نه رژیم صهیونیستی در مرتبه‌ای قرار ندارند که بتوانند به تنهایی طرح‌های یک‌طرفه خود را برای فردای غزه تحمیل کنند و تصور آینده سیاسی غزه بدون حماس نیز جزئی از خیالات نشدنی آنهاست.

گزارش

وصال روحانی

روزنامه‌نگار

وقتی امانوئل مکرون وارد کارزار انتخاباتی سال ۲۰۱۶ فرانسه شد و کوشید به ریاست جمهوری این کشور برسد، این کار را با تشکیل یک حزب جدید «لیبرال میانه» به نام «رو به جلو» (On the Move) و قرار دادن آن در مرکز ثقل فعالیت‌هایش انجام داد ولی ۸ سال بعد از آن و در حالی که مکرون بعداً (سال ۲۰۲۱) برای یک دوره پنج ساله دیگر به این پست رسید، یک حزب دست راستی افراطی به سرکردگی ماریین لوپن و جویدن بارلدا است که به رقیب بزرگ و پایاپای مکرون و حزب او تبدیل شده و با سرعت رو به جلو می‌رود و به نظر می‌رسد که می‌تواند فاتح انتخابات جدید پارلمانی فرانسه شود که در بازه زمانی ۱۱ تا ۱۳ تیر برگزار خواهد شد. در انتخابات اخیر پارلمان اروپا حزب لوپن و بارلدا که «پویش ملی» نام دارد، ۳۱/۵ درصد آرا را به خود اختصاص داد و این بیش از دو برابر آرای بود که حزب مکرون به دست آورد و مدتی است که نام دیگری را برای خود برگزیده که «رنسانس» است. «پویش ملی» به آنچه تاکنون کسب کرده، راضی نیست و به نظر می‌آید که با اختلاف زیادی نسبت به مکرون برنده انتخابات پارلمانی پیش‌رو در فرانسه باشد. انتخاباتی که مکرور با انحلال پارلمان آن را تدوین کرد و در مسیر برگزاری قرار داد می‌خواست (و هنوز هم می‌خواهد) ناگامی‌اش در انتخابات پارلمان اروپا را جبران کند اما شاید فقط بر حجم شکست‌هایش بیفزاید.

پیامدهای به قدرت رسیدن دست‌راستی‌های افراطی

همه اینها به ما می‌گوید شاید در آستانه تشکیل یک دولت دست‌راستی افراطی جدید در فرانسه قرار داشته باشیم که اگر به قدرت برسد، ابتدا خیل مهاجران را به بهانه غیرقانونی بودن از این کشور دیپورت خواهد کرد و سپس دستورالعمل‌های سیاسی و توصیه‌های حکومتی «EU» را دور خواهد زد و آنگاه به جان اقلیت‌های نژادی و مذهبی و پویژه مسلمانان خواهد افتاد و بسیاری از حقوق حقه و آزادی‌های آنان را خواهد گرفت و در توجیه آن ادعا خواهد کرد که مسلمانان ناقض آرامش و استیاب در دست هستند و تروریسم را گسترش می‌دهند. به خاطر همه این مسائل و احتمالات است که سیاستمداران

لیبرال فرانسه از مکرون به خاطر به راه انداختن انتخابات اضطراری جدید و عدم محاسبه‌گری درست در این زمینه انتقاد و تصریح می‌کنند که نتیجه این فرزندوم‌ها به جای اینکه جبرانی بر تلخکامی‌های حاصل در فرزندوم اخیر پارلمان اروپا باشد، می‌تواند اثر عکس بگذارد و سبب تشدید این روند شود و شکست‌های احزاب لیبرال میانه و از جمله حزب رنسانس را که مکرون اینک زمامدار آن است، افزایش بخشد.

چیزی همانند ماجرای دیوید کامرون درست است که این واقعه احتمالی مکرون را از قدرت ساقط نمی‌سازد، اما او را به عنوان رئیس جمهور کشوری که دولت جدید زیر دستش با آرزمان‌های او مخالف و خواهان سقوط وی است، به چالش‌های جانکاه جدیدی خواهد کشید و خطرات کردناکرد وی را زفونی خواهد بخشید. آنها کار غیرضروری مکرون در برپایی یک انتخابات زودرس و خارج از سبیکل رایج فرانسه را به اقدام سال ۲۰۱۶ دیوید گامرون در بریتانیا تشبیه می‌کنند. زمانی که کامرون به عنوان نخست‌وزیر این کشور با اطمینان به اینکه مردم اروپا (EU) رأی منفی می‌دهند، دستور برگزاری یک referendum را در این زمینه داد اما مردم برخلاف انتظارات وی در این نظرسنجی رأی مثبت به موضوع فوق دادند و جدایی بریتانیا را که «برگزیت» نامگذاری شده، تحقق بخشیدند. کامرون برائ‌ترین روند به یک ورشکستگی کامل سیاسی رسید و مجبور به کناره‌گیری از سمتش شد و جانشین او نیز در سال‌های بعدی با تبعات تلخ متفاوت «برگزیت» مواجه بوده و بابت آن رنج فراوانی برده‌اند. کامرون بعد از ۷-۸ سال زندگی در سایه از نوسر برآورد و مدتی است که وزیر خارجه انگلیس در دولت تحت هدایت ریچی سوناک شده که سرکرده کنونی حزب محافظه‌کار است اما ذائقه او بابت آنچه ۸ سال پیش در آن referendum کذایی با مهندسی خود وی بر سرش آمد، هنوز تلخ است و مکرون بزودی همان میزان تلخی را در صحنه سیاست فرانسه تجربه خواهد کرد.

تاخت و تازی با یکی-دو سال تأخیر
پس از اتمام انتخابات اخیر پارلمان اروپا و اثر عمیقی که نتیجه آن بر صحنه فاشیست تمام‌عیار و دوستدار بنیتو قاره سبز نگران به قدرت رسیدن طیف وسیع‌تری از دست‌راستی‌های افراطی در سطح این قاره شده‌اند و در این زمینه به المان و شرایط ناگوار اولاف شولتز صدراعظم این کشور استناد می‌کنند. آنها جورجیا ملونی، نخست‌وزیر زن

پس از اتمام انتخابات اخیر پارلمان اروپا و اثر عمیقی که نتیجه آن بر صحنه فاشیست تمام‌عیار و دوستدار بنیتو قاره سبز نگران به قدرت رسیدن طیف وسیع‌تری از دست‌راستی‌های افراطی در سطح این قاره شده‌اند و در این زمینه به المان و شرایط ناگوار اولاف شولتز صدراعظم این کشور استناد می‌کنند. آنها جورجیا ملونی، نخست‌وزیر زن



انتخابات اضطراری و جبرانی

همه جالش‌های

اروپا لااقل در کوتاه مدت آتقدرها هم تیره و ضرتی نیست که در نگاه نخست به نظر می‌رسد. در انتخابات اخیر پارلمان اروپا در شهر بروکسل بلژیک، حزب موسوم به حزب «مردم اروپا» (EPP) که یک حزب راست-میانه و تا حدی معتدل است، انتتافی بین سوسیالیست‌ها و دموکرات‌ها که «Liberal Renew» نامیده می‌شود و همچنین حزب «سبزها» کرسی‌های

بسیاری را تصاحب کردند و اکثریت را در دست گرفتند و این مسأله سبب می‌شود که تاخت‌وتاز راست‌های افراطی و رادیکال‌های تمامیت‌خواه لااقل در آینده نزدیک و در یکی-دو سال پیش‌رو شکل نگیرد و این امر شاید به سال ۲۰۲۶ موکول شود. دیگر مسأله‌ای که تأخیر در به قدرت رسیدن راست‌های افراطی در اروپا را به‌طور اعم و در فرانسه به نحو اخض موجب

پس از اتمام انتخابات اخیر پارلمان اروپا و اثر عمیقی که نتیجه آن بر صحنه فاشیست تمام‌عیار و دوستدار بنیتو قاره سبز نگران به قدرت رسیدن طیف وسیع‌تری از دست‌راستی‌های افراطی در سطح این قاره شده‌اند و در این زمینه به المان و شرایط ناگوار اولاف شولتز صدراعظم این کشور استناد می‌کنند. آنها جورجیا ملونی، نخست‌وزیر زن

بایدن دموکرات‌ها را به پرتگاه شک

سلامت خود اعلام کرده بود اما آنچه از دل این مناظره بیرون آمد، به جای آنکه از میزان نگرانی‌ها کم کند، بیشتر به این نگرانی‌ها دامن زد.

چهره‌های سیاسی دموکرات که تا پیش از این در صحنه سیاست این کشور برپویایی داشتند از ادامه قدرت با ریاست جو بایدن ابراز نگرانی کرده‌اند، اما معتقدند در صورتی که رئیس جمهور فعلی امریکا تا آخر رقابت‌ها بماند، قطعاً گزینه انتخابی آنها جو بایدن خواهد بود. اوباما رئیس جمهور پیشین ایالات متحده نیز اعتراف کرد بایدن عملکرد ضعیفی داشته و انتخاب جایگزین برای بایدن را محتمل دانست.

لغزش کلامی، صدای ضعیف (که کمپینش می‌گوید که تمام سرماخوردگی است) و پاسخ‌های گاه نامفهومش همه این موارد دست به دست هم داده تا گرایش احتمالی حزب دموکرات برای رهایی از شکست مقابل جمهورخواهان به سمت انتخاب فرد دیگری به جای بایدن برود، هرچند تعویض زمین بازی دموکرات‌ها ممکن است به ضرر ایالات متحده و منافعهش در سطح بین‌المللی باشد. نیویورک تایمز روز شنبه یادداشتی درباره لزوم کناره‌گیری بایدن منتشر کرد و نوشت که هانتز، پسرر بایدن که با پرنده‌های متعددی در دادگاه رویه‌رو است، بیش از دیگران بر ماندن پدرش در انتخابات اصرار دارد. همسر بایدن نیز انگشت اتهام خود را برای عملکرد ضعیف همسرش در مناظره جمعه گذشته

گزارش

آرزو نوروز جم

خبرنگار

جنرال ۹۰ دقیقه‌ای جو بایدن و دونالد ترامپ نه تنها حاشیه‌های پرسرصدایی به دنبال داشت، بلکه دودوتا چهارتری جایگزین پیدا کردن برای پیرمرد دموکرات‌ها هم در بین هم حزبی‌هایش قوت گرفت، حامیان بایدن که تا کنون روی ناتوانی و ضعف‌های جسمانی آقای رئیس جمهور چشم و گوش خود را بسته بودند، بعد از مناظره چند روز پیش، برای‌شان سلامت جو بایدن و توانایی‌اش برای اداره ایالات متحده در چهار سال آینده به یک دغدغه بزرگ تبدیل شده است و معتقدند او باید از میدان رقابت کنار بکشد و جایگزینی جوان‌تر معرفی شود.

دغدغه‌ای که آنها آن را یک مسأله شخصی و خانوادگی نمی‌دانند و معتقدند دغدغه‌ای سیاسی و عمومی است که بر حزب دموکرات و انتخابات آینده تأثیر زیادی دارد. اما حرف و مقامات ارتش کناره گرفتن بایدن از رقابت‌های ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ امریکا در حالی بالا گرفته که برخی مصادرات ارتش دموکرات و اعضای خانواده بایدن با جدیت اعلام می‌کنند که او به هیچ‌وجه قصد کناره‌گیری از میدان رقابت را ندارد و تا آخرین بازی ایستاده است. هرچند جو بایدن یکی از هدف‌های خود را برای ادامه رقابت با ترامپ و حضور در برنامه مناظره، اطمینان خاطر دادن به مردم امریکا درباره

